تحلیل

قیمت جهانی نفت به زیر ۱۰۰ دلار بازگشت

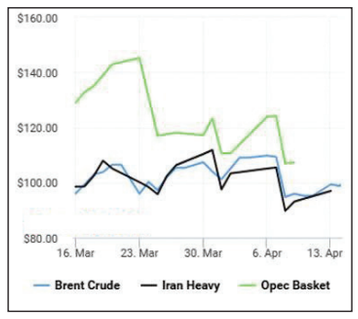

قیمت نفت در معاملات روز سه‌شنبه آسیا کاهش یافت، زیر انشانه‌هایی از گفت‌وگوی احتمالی امریکا و ایران برای پایان دادن به جنگ، نگرانی‌ها در مورد خطرات عرضه را کمتر کرد.

به گزارش ایسنا، قیمت آتی نفت برنت با یک دلار و ۸۶ سنت معادل ۱.۸۷ درصد کاهش، به ۹۷ دلار و ۵۰ سنت در هر بشکه رسید. قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمدیت (WTI) امریکا با ۲ دلار و ۲۵ سنت معادل ۲.۲۷ درصد کاهش، به ۹۶ دلار و ۸۳ سنت در هر بشکه رسید.

هر دو شاخص در معاملات روز گذشته با اعلام محاصره تنگه هرمز توسط امریکا صعود کرده بودند و نفت برنت با بیش از چهار درصد افزایش و وست تگزاس اینترمدیت باسه درصد افزایش بسته شدند.

بانک «ای ان زد» در یادداشتی برای مشتریان خود نوشت: بازار نفت دیگر نیازی به بدترین سناریوی تشدید بحران برای توجیه سطوح بالاتر قیمت ندارد. همین تعادل اندک برای حفظ قیمت نفت برنت در نزدیکی یا بالاتر از سطوح آستانه اخیر کافی است.

صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و آژانس بین‌المللی انرژی از کشورها خواستند که در بحبوحه آنچه که آنها به عنوان مهم‌ترین شوک به بازار جهانی انرژی توصیف کردند، از احتکار منابع انرژی یا اعمال محدودیت‌های صادراتی خودداری کنند. فاتح بیرول، رییس آژانس بین‌المللی انرژی، روز دوشنبه گفت که اگرچه آزادسازی بیشتر نفت از ذخایر استراتژیک ممکن است هنوز ضروری نباشد، اما این آژانس همچنان آماده است تا در صورت لزوم اقدام کند.

بر اساس گزارش رویترز، در همین حال، سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) در جدیدترین گزارش ماهانه‌اش که روز دوشنبه منتشر شد، پیش‌بینی تقاضای جهانی برای نفت در سه ماهه دوم را ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داد.

خبر

وزیر نفت: صادرات نفت حتی یک روز هم متوقف نشد

وزیر نفت گفت: همکاران صنعت نفت در جزیره خارک با عملکردی درخشان، اجازه توقف حتی یک‌روزه صادرات نفت را ندادند و فروش نفت در اسفند و فروردین نیز مطلوب و دلگرم‌کننده بوده است.

به گزارش ایلنا، محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت در نشست با مدیرعامل و مدیران ارشد شرکت ملی صنایع پتروشیمی با بیان اینکه از همان نخستین روز جنگ، نشست‌های منظم از جنس اتاق جنگ در صنعت نفت با حضور معاونان وزارت نفت برگزار می‌شد، گفت: موضوع‌های مختلف در این نشست‌ها بحث، بررسی، تصمیم‌گیری و سرانجام راهبردها مشخص و در دستور کار قرار می‌گرفت که به لطف خدا موفقیت‌آمیز هم بود.

وی افزود: در کنار این نشست‌ها، اصل کار را نیروهای عملیاتی چهار شرکت اصلی وزارت نفت انجام دادند، عزیزانی که از همه تأسیسات صنعت نفت با وجود دغدغه‌مند بودن، پای کار ایستادند و همکارانی که در جزیره خارک درخشیدند و نگذاشتند یک روز هم صادرات نفت ایران قطع شود، فروش نفت در ماه‌های اسفند و فروردین تاکنون مطلوب و سبب دلگرمی کشور بوده است.

پاک‌نژاد با اعلام اینکه همه همکارانم در بخش‌های بالادست تا پایین‌دست با اینکه در معرض خطر جدی بودند، کار را متناسب با وضع بحران ادامه دادند، گفت: این فرصت را مغتنم می‌شمارم و از یکایک همکاران عزیزم در صنعت نفت که انصافاً جانانه پای کار ایستادند قدردانی می‌کنم.

وی سوخت‌رسانی و گازرسانی را ویترین خدمت‌رسانی صنعت نفت به مردم تلقی کرد و ادامه داد: باوجود اینکه مخازن و انبارهای ذخیره‌سازی فرآورده‌های نفتی در استان‌های تهران و البرز با هدف اختلال در سوخت‌رسانی در شمال کشور و تهران هدف حمله دشمن قرار گرفت اما با حضور به‌موقع همکارانم در شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی و همراهی شرکت ملی گاز ایران، بحران طی ۴۸ ساعت مدیریت شد به شکلی که مردم با دغدغه تأمین بنزین و سوخت روبرو نشدند.

وزیر نفت با اشاره به بازدید سرزده رییس جمهور از وزارت نفت در ابتدای هفته جاری بیان کرد: این چندمین بار است که ایشان برای بررسی امور مرتبط با صنعت نفت حضور میدانی داشته است و پس از آگاهی از گزارش تلاش همکاران صنعت نفت، بابت استمرار فعالیت‌ها و تلاش‌های بی‌وقفه در حوزه‌های مختلف از جمله سوخت‌رسانی، گازرسانی، تولید نفت و گاز در سراسر بخش‌های عملیاتی بسیار قدردانی و تشکر کردند.

روایت «تعادل» از تپیدن نبض نفت جهان میان تهدید و تنگه

هرمز در سایه محاصره

بازار جهانی انرژی بار دیگر در برابر یکی از حساس‌ترین گلوگاه‌های ژئوپلیتیکی جهان قرار گرفته است؛ تنگه هرمز، آبراهی باریک اما سرنوشت‌ساز که هر گونه تنش در آن می‌تواند معادلات قیمت، عرضه و امنیت انرژی را در سراسر جهان دگرگون کند. تازه‌ترین تحولات پس از اعلام تصمیم امریکا برای محدودسازی تردد کشتی‌های مرتبط با بنادر ایران، این گذرگاه حیاتی را به کانون توجه بازارهای نفتی و سیاسی جهان تبدیل کرده است.

ارتش امریکا اعلام کرده که از روز دوشنبه، ترافیک کشتیرانی به مقصد یا مبدأ بنادر ایران را مسدود خواهد کرد؛ اقدامی که اگر به‌طور کامل اجرا شود، می‌تواند ورود بخش مهمی از نفت ایران به بازار جهانی را متوقف کند. برآوردها نشان می‌دهد ایران در ماه‌های اخیر روزانه بین ۱.۷ تا ۱.۸ میلیون بشکه نفت خام صادر کرده است. حذف چنین حجمی از بازار، به‌ویژه در شرایطی که بسیاری از تولیدکنندگان با محدودیت ظرفیت یا تعهدات اوپک‌پلاس مواجه‌اند، می‌تواند فشار قابل توجهی بر عرضه جهانی وارد کند. در نگاه نخست، شاید رقم حدود دو میلیون بشکه در روز در برابر مصرف بیش از ۱۰۰ میلیون بشکه‌ای جهان چندان بزرگ به نظر نرسد، اما بازار نفت تنها با اعداد اداره نمی‌شود؛ انتظارات، ریسک‌های سیاسی و نگرانی از اختلالات بعدی نیز به همان اندازه تعیین‌کننده‌اند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که حتی تهدید به اختلال در تنگه هرمز، پیش از وقوع هر بحران واقعی، می‌تواند قیمت نفت را جهش دهد و بازارهای مالی را ملتهب کند. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم ایران پیش از تشدید تنش‌ها، صادرات خود را افزایش داده و حجم بالایی از نفت را روی آب ذخیره کرده بود. گزارش‌ها از وجود بیش از ۱۸۰ میلیون بشکه نفت شناور حکایت دارد؛ ذخایری که می‌توانستند نقش ضربه‌گیر بازار را ایفا کنند، اما در صورت محدودیت شدید تردد دریایی، دسترسی به آنها نیز با دشواری روبرو خواهد شد. اما مساله فقط نفت ایران نیست. تنگه هرمز مسیر عبور بخش بزرگی از صادرات نفت و گاز کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز محسوب می‌شود. عراق، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بخشی از صادرات عربستان سعودی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به امنیت این مسیر وابسته‌اند. هر گونه ناامنی یا افزایش هزینه بیمه و حمل‌ونقل در این منطقه، عملاً قیمت تمام‌شده انرژی را برای مصرف‌کنندگان جهانی افزایش می‌دهد. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد با وجود اعلام آتش‌بس موقت، رفت‌وآمد کشتی‌ها هنوز به شرایط عادی بازنگشته است. برخی نفتکش‌ها وارد خلیج فارس شده‌اند، برخی دیگر در میانه مسیر تغییر جهت داده یا در آب‌های اطراف لنگر انداخته‌اند. این رفتار محتاطانه شرکت‌های کشتیرانی نشانه روشنی از تردید فعالان بازار نسبت به ثبات اوضاع است. در چنین شرایطی، حتی اگر مسیر رسماً باز باشد، ترس از درگیری، خطر توقیف، برخورد نظامی یا افزایش حق بیمه می‌تواند جریان تجارت را کند کند. صنعت بیمه دریایی نیز در این میان نقش کلیدی دارد. وقتی سطح ریسک منطقه بالا می‌رود، هزینه بیمه نفتکش‌ها به سرعت افزایش می‌یابد. در برخی بحران‌های گذشته، این هزینه‌ها چندین برابر شده و شرکت‌های حمل‌ونقل را وادار کرده بود یا کرایه‌ها را بالا ببرند یا از تردد در منطقه خودداری کنند. نتیجه مستقیم این روند، افزایش قیمت نفت و فرآورده‌ها برای مصرف‌کنندگان نهایی در سراسر جهان است. بیشترین فشار چنین بحرانی معمولاً بر دوش واردکنندگان آسیایی قرار می‌گیرد. چین به عنوان بزرگ‌ترین خریدار نفت جهان، از مهم‌ترین مشتریان نفت ایران بوده است. هند نیز در صورت تداوم تسهیلات تجاری، یکی از بازارهای بالقوه مهم برای نفت ایران به شمار می‌رود. علاوه بر این دو کشور، ژاپن، کره جنوبی و بسیاری از اقتصادهای جنوب شرق آسیا به نفت عبوری از خلیج فارس وابسته‌اند. هر گونه اختلال در هرمز، برای این کشورها به معنای افزایش هزینه انرژی، فشار تورمی و تهدید رشد اقتصادی خواهد بود. اروپا نیز اگرچه وابستگی مستقیم کمتری نسبت به آسیا دارد، اما از تبعات افزایش قیمت جهانی نفت و گاز در امان نخواهد ماند. تجربه بحران انرژی در سال‌های اخیر نشان داد که بازار انرژی به‌شدت به هم پیوسته است و تنش در یک نقطه می‌تواند موج تورمی در سراسر جهان ایجاد کند. در برابر این سناریو، تولیدکنندگان دیگر چه خواهند کرد؟ امریکا می‌تواند بخشی از کمبود را با افزایش صادرات خود جبران کند. عربستان سعودی و امارات نیز در صورت تصمیم سیاسی و وجود ظرفیت مازاد، توان افزایش تولید دارند. با این حال، جایگزینی سریع نفت ایران، آن هم در شرایط ناامن منطقه، ساده و فوری نیست. ضمن آنکه اگر اصل مساله امنیت تنگه هرمز باشد، افزایش تولید کشورهای منطقه نیز بدون تضمین عبور ایمن محموله‌ها اثر محدودی خواهد داشت. از منظر سیاسی، بحران هرمز تنها یک مناقشه دریایی نیست؛ آزمونی برای نظم انرژی جهان است. اگر کشوری بتواند با تهدید نظامی یا محاصره دریایی جریان تجارت نفت را مختل کند، پیام آن برای بازارها روشن خواهد بود: دوران امنیت نسبی عرضه پایان یافته و انرژی بار دیگر به ابزار مستقیم فشار ژئوپلیتیک تبدیل شده است. در نهایت، آنچه امروز در هرمز جریان دارد، صرفاً عبور چند نفتکش یا توقف چند محموله نیست؛ نبردی است بر سر اعتماد بازار جهانی. نفت بیش از هر چیز به اطمینان نیاز دارد: اطمینان از تولید، اطمینان از حمل‌ونقل و اطمینان از ثبات سیاسی. هر زمان این سه پایه متزلزل شود، قیمت‌ها بالا می‌روند و اقتصاد جهانی هزینه آن را می‌پردازد. تنگه هرمز بار دیگر ثابت کرده است که جغرافیا هنوز بر اقتصاد حکومت می‌کند. آبراهی باریک در جنوب ایران، می‌تواند کارخانه‌ای در شانگهای، پالایشگاهی در هند، پمپ‌بنزینی در اروپا و سفره خانواری در هر نقطه جهان را تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل، آینده بازار نفت نه فقط در چاه‌ها و پالایشگاه‌ها، بلکه در امنیت همین گذرگاه باریک رقم خواهد خورد.

هزینه واردات سوخت اروپا از آغاز جنگ، ۲۲ میلیارد یورو افزایش یافت

رییس کمیسیون اروپا گفت: از آغاز جنگ با ایران هزینه واردات سوخت‌های فسیلی ۲۲ میلیارد یورو افزایش پیدا کرده است. به گزارش خبرگزاری تسنیم؛ اورسولا فون در لاین، رییس کمیسیون اروپا، اعلام کرد که صورت حساب اتحادیه اروپا برای واردات سوخت‌های فسیلی از زمان آغاز درگیری‌ها در خاورمیانه (آغاز حملات به ایران در ۲۸ فوریه) بیش از ۲۲ میلیارد یورو افزایش یافته است. وی تأکید کرد که این افزایش هزینه، در حالی رخ داده که «حتی یک مولکول انرژی اضافی» به اتحادیه نرسیده است. برخلاف بحران قبلی که ناشی از جنگ اوکراین بود، این افزایش قیمت عمدتاً به دلیل بسته شدن تنگه هرمز به عنوان یک شریان حیاتی انرژی و اختلال در عرضه نفت و گاز از منطقه خلیج فارس است. فون در لاین در سخنرانی خود در بروکسل تصریح کرد: از زمان آغاز درگیری‌ها ۴۴ روز پیش، هزینه واردات سوخت فسیلی ما ۲۲ میلیارد یورو افزایش یافته است. بسته‌شدن جاری تنگه هرمز خسارت بزرگی وارد می‌کند و احیای آزادی دریانوردی برای ما از اهمیت بالایی برخوردار است. رییس کمیسیون اروپا برای مقابله با این شوک انرژی، بسته‌ای از اقدامات را اعلام کرد که قرار است در نشست غیررسمی سران در قبرس ارایه شود:

۱. هماهنگی قوی: هماهنگی برای ذخیره‌سازی گاز (برای جلوگیری از رقابت مخرب کشورها) و آزادسازی هماهنگ ذخایر نفت.

۲. حمایت هدفمند: ارایه چارچوب موقت برای قوانین کمک‌های دولتی (State aid) تا کشورها بتوانند از صنایع و خانوارهای آسیب‌پذیر حمایت کنند.

۳. کاهش تقاضا: تمرکز بر بهره‌وری انرژی در ساختمان‌ها و فرآیندهای صنعتی.

فون در لاین تأکید کرد که این بحران نشان می‌دهد اروپا بهای بسیار سنگینی برای «وابستگی بیش از حد به سوخت‌های فسیلی» می‌پردازد. وی راهکار را تسریع در گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر و انرژی هسته‌ای دانست که در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد برق اروپا را تأمین می‌کنند. تحلیلگران انرژی تأیید می‌کنند که اختلال در این تنگه (که حدود ۲۱ درصد از عرضه جهانی سوخت جت از آن عبور می‌کند) زنجیره تأمین اروپا را با بحران مواجه کرده است. اروپا در تأمین محصولات پالایش شده مانند سوخت جت و گازوئیل با مشکل جدی روبرو است و جایگزینی منابع از امریکا یا آفریقا به سختی قادر به جبران کسری ایجادشده خواهد بود.

خشکسالی پایان نیافته است؛ کسری در منابع آب زیرزمینی و ذخایر سدها

دبیر کل فدراسیون صنعت آب کشور گفت: در بسیاری از مناطق کشور، طی سال‌های گذشته کسری قابل توجهی در منابع آب زیرزمینی و ذخایر سدها ایجاد شده است. حتی اگر در یک سال، بارش‌ها نزدیک به نرمال باشد، لزوماً به معنای جبران کامل این کسری‌ها نیست سیدعلیرضا شریعت در گفت‌وگو با ایلنا در ارزیابی وضعیت بارش‌های سال آبی جاری اظهار داشت: خوشبختانه در سال آبی جاری، الگوی بارش‌ها در کشور تا حدی نسبت به سال گذشته بهبود نشان داده است، اما این بهبود در همه مناطق یکسان نبوده است. وی ادامه داد: در برخی استان‌ها، به‌ویژه در بخش‌هایی از شمال غرب و غرب کشور، بارش‌های موثرتر و نزدیک‌تر به میانگین بلندمدت ثبت شده است، در حالی که در بخش‌هایی از مرکز، شرق و جنوب شرق کشور همچنان با کمبود بارش نسبت به شرایط نرمال روبرو هستیم. بنابراین تصویر کلی بارش‌ها یک تصویر ناهمگن و منطقه‌ای است. وی ادامه داد: از سوی دیگر، باید توجه داشت که ارزیابی وضعیت بارش تنها بر اساس چند سامانه بارشی اخیر دقیق نیست. شاخص‌های هیدرولوژیک مانند میزان ذخیره سدها، رطوبت خاک و تغذیه آب‌های زیرزمینی نیز اهمیت زیادی دارند. در بسیاری از حوضه‌های آبریز کشور، به دلیل چند سال متوالی خشکسالی، حتی افزایش مقطعی بارش نیز هنوز نتوانسته به‌طور کامل کسری انباشته منابع آبی را جبران کند. به همین دلیل اگرچه شرایط بارش در برخی بازه‌ها امیدوارکننده بوده، اما برای قضاوت دقیق درباره وضعیت سال آبی باید روند بارش‌ها تا پایان فصل بارش و همچنین اثر آن بر منابع آب سطحی و زیرزمینی بررسی شود. دبیر کل فدراسیون صنعت آب ایران درباره اینکه آیا با توجه به وضعیت مناسب بارش‌های اخیر، می‌توان خشکسالی پایان یافته است؛ تصریح کرد: بارش‌های مناسب اخیر بدون تردید خبر خوبی برای منابع آبی و کشاورزی کشور محسوب می‌شود، اما از نظر علمی نمی‌توان صرفاً بر اساس چند دوره بارندگی اعلام کرد که خشکسالی پایان یافته است. خشکسالی معمولا پدیده‌ای است که در مقیاس‌های زمانی طولانی‌تر شکل می‌گیرد و پایان آن نیز نیازمند یک دوره نسبتاً طولانی از بارش‌های موثر و پایدار است. وی گفت: در بسیاری از مناطق کشور، طی سال‌های گذشته کسری قابل توجهی در منابع آب زیرزمینی و ذخایر سدها ایجاد شده است. حتی اگر در یک سال، بارش‌ها نزدیک به نرمال باشد، لزوماً به معنای جبران کامل این کسری‌ها نیست.

گام‌های جدی برای کنترل مصرف آب در تهران

به گفته مدیرعامل آبفای استان تهران در کنار مدیریت تامین و مدیریت توزیع شبکه، مدیریت تقاضا و مصرف آب به کمک شهروندان با گسترش استفاده از لوازم کاهنده مصرف، اصلاح شبکه، تعویض کنتور و سایر موارد ضروری است. به گزارش ایسنا، علیرضا جزقاسمی که روز دوشنبه در حاشیه نخستین نشست ملاقات عمومی با همکاران و شهروندان، پس از بازدید از مجموعه روابط عمومی آبفای تهران، در آیین راه‌اندازی و آغاز به کار رسمی «استودیو صدای آب» آبفای استان تهران حضور یافته بود، به تشریح آخرین وضعیت تامین آب تهران و برنامه‌های مهم این شرکت در سال جاری پرداخت. وی ابتدا با قدردانی از تلاش‌های بی‌وقفه کارکنان آبفای استان تهران در ایام تعطیل نوروز و به‌ویژه جنگ ۴۰ روزه، گفت: به‌واسطه این تلاش‌ها و با وجود حمله‌های هوایی دشمن متجاوز، حتی لحظه‌ای در ارایه خدمات شرکت آب و فاضلاب استان تهران به شهروندان، خلل و وقفه ایجاد نشد و به گواهی مجموعه‌های خدمات شهری و کشوری، این شرکت جزو نخستین دستگاه‌ها در بین مجموعه‌های خدماتی بود که بلافاصله پس از حملات دشمن، در سخت‌ترین شرایط برای ترمیم خرابی‌های مناطق حادثه‌دیده حضور می‌یافت که جای قدردانی فراوان دارد. جزقاسمی سپس با اشاره به وضعیت شکننده منابع آبی تهران، اظهار کرد: براساس اعلام مرکز ملی خشکسالی، تهران وارد ششمین خشکسالی پیاپی شده است. به گفته وی، هم‌اکنون استان‌های حوضه آبریز دریاچه نمک شامل تهران، البرز، مرکزی، قزوین و سمنان وضعیت بارشی نامناسبی دارند که در این میان، تهران در سرلیست کم‌بارش‌ترین استان‌های کشور قرار گرفته است و با وجود اینکه در سال آبی جاری بارش‌های کل کشور تا حدودی در مقایسه با میانگین بلندمدت مثبت بوده، اما بارش‌های استان تهران ۳۵ درصد کاهش یافته است. وی در عین حال به بهبود ۱۰ درصدی وضعیت بارش‌های تهران در مقایسه با سال آبی گذشته اشاره و خاطرنشان کرد: البته این بارش‌ها به روان‌آب مناسبی تبدیل نشده است و کماکان سدهای تامین‌کننده آب تهران وضعیت شکننده‌ای دارند. مدیرعامل آبفای استان تهران با بیان اینکه این شرکت با وجود خدمات ارایه‌شده در جنگ ۴۰ روزه اخیر، نیم‌نگاهی نیز به تابستان پیش‌رو برای تامین مستمر و پایدار آب شرب و سایر خدمات به شهروندان و مشترکان تهرانی در سراسر شهرها و روستاهای استان داشته است، افزود: جدا از خدمات ارایه‌شده در دوره جنگ ۴۰ روزه، بخش عمده‌ای از پروژه‌ها و کارهای از قبل برنامه‌ریزی‌شده، همچنان در حال انجام است اما بخشی از فعالیت‌های سازه‌ای به دلیل شرایط جنگی به تاخیر افتاد که به بازطراحی نیاز دارد. وی اظهار کرد: خوشبختانه در روزهای پایانی سال گذشته و ابتدای امسال همراهی مردم و مجموعه اقدام‌های انجام‌شده توسط همکاران حوزه‌های بهره‌برداری و امور مشترکین و به‌ویژه فعالیت‌های موثر دفتر روابط عمومی شرکت که بی‌وقفه در بحث اطلاع‌رسانی و آگاهی‌های عمومی پای کار بوده است، موجب شد در مقایسه با سال گذشته، حدود چهار میلیون مترمکعب آب کمتری از منابع آب سطحی برداشت کنیم و تلاش می‌کنیم این روند همچنان تداوم یابد. جزقاسمی ادامه داد: البته با توجه به پوشش برفی موجود در پیرامون سدهای تهران، به رحمت الهی و بارش‌های خوب و تبدیل آن به روان‌آب‌های مناسب در ادامه بهار به‌ویژه روزهای پایانی فروردین و نیز اردیبهشت‌ماه جهت تثبیت پایداری سدها امیدوار هستیم. به گفته وی، در کنار مدیریت تامین و مدیریت توزیع شبکه، هدف‌گذاری و رویکرد اصلی برنامه‌ها و فعالیت‌های شرکت آب و فاضلاب استان تهران، مدیریت تقاضا و مصرف آب است که به کمک شهروندان در این زمینه بسیار نیاز داریم ضمن آنکه در کنار فراگیری و گسترش استفاده از لوازم کاهنده مصرف، اصلاح شبکه، تعویض کنتور و سایر موارد، روابط عمومی نقش مهمی خواهد داشت و از تقویت فعالیت‌ها در این حوزه حمایت خواهیم کرد همچنان که تاکنون نیز در این زمینه قوی عمل کرده‌ایم. وی با اشاره به تعامل و همکاری‌های بسیار مناسب با مجموعه شهرداری تهران در ماه‌های اخیر، ابراز امیدواری کرد: این همکاری‌ها همچنان تداوم یابد تا با همراهی مردم از پیک مصرف سال آینده موفق گذر کنیم.

ادامه از صفحه اول

عرضه ارز در شرایط عادی و بحران چگونه باید باشد؟

غیر تحریمی در برخی زمان‌ها چنین اتفاقی افتاده است. لذا در این خصوص مدیریت صحیح کوتاه و بلندمدتی باید مدنظر باشد. اما طرف دیگر مبحث طرف تقاضای ارز است که در پست بعدی مورد بحث قرار می‌گیرد.

به‌طور معمول و روی کاغذ تحلیل تقاضا و تقاضای ارز تحلیلی روتین و نسبتا ساده است. در اقتصاد گفته می‌شود تقاضای ارز تابعی از قیمت ارز، قیمت کالای مرتبط (اگر هدف از تقاضای ارز سودآوری و سوداگری باشد بازدهی و قیمت تمامی بازارهای موازی مطرح است: بورس، سکه، طلای آب‌شده، خودرو، مسکن و...)، انتظارات ناشی از بازدهی آتی و قیمت آتی ارز و انتظارات ناشی از درآمد آتی ارز است. همچنین ظهور و بروز اخبار منفی و اخبار مثبت یا حتی پیش‌بینی اخبار بد یا خوب در آینده روی تقاضای ارز (و البته قیمت آن) موثر است. مثلا همزمان با حضور ترامپ در کاخ سفید و تنش‌های مستمر ناشی از تصمیمات و اظهارات او پیش بینی می‌شد که اخبار بدی به وقوع می‌پیوندد به همین دلیل بازار ارز داخلی ناشی از هیجانات موجب افزایش تقاضای ارز شده بود ولیکن به لطف خدا این جنگ و تنش به نفع ایران تمام شد و لذا تقاضای ارز را کاهش داد. همچنین افزایش درآمد داخلی ناشی از افزایش صادرات نفت که موجب افزایش واردات می‌شود تغییرات تقاضای ارز را به دنبال دارد. شرایط غیر اقتصادی که موجب مهاجرت ایرانیان به خارج یا بالعکس به داخل می‌شود (ورود ایرانیان مقیم امارات) نیز روی تقاضای ارز تاثیر دارد. به همین نحو می‌توان عوامل دیگری را دخیل دانست که یکی از آنها عوامل ناشناخته‌ای است که در آینده اتفاق می‌افتد و امروز نمی‌توان پیش‌بینی کرد ولی در آینده اتفاق می‌افتد. و به همین ترتیب عواملی دیگر که در این زمینه اثر گذار هستند. همانطور که مشاهده می‌شود تحلیل تقاضای ارز حتی بر روی کاغذ به‌طور کامل کمی پیچیده و سخت است. اکنون در عمل و در هر کشوری مانند ایران که شرایط جنگ و تحریم را تجربه می‌کند شرایط به مراتب پیچیده‌تر است. در جمع‌بندی باید عوامل موثر بر عرضه را در واقعیت به‌طور کامل دید و تحلیل کرد و هر لحظه تغییرات آن را اطلاع داشت و همچنین عوامل موثر بر تقاضای ارز را در واقعیت دید و تحلیل کرد و میزان تاثیر گذاری آنها را بر تقاضا و عرضه ارز اندازه گیری کرد. در این صورت میزان تغییرات قیمت قابل اندازه گیری و پیش بینی است. در مباحث اقتصاد سنجی به‌طور معمول این اندازه گیری‌ها به‌صورت ضرایب و اعداد قابل محاسبه و حتی پیش‌بینی است. در اینجاست که انواع مدل‌های پیش بینی مطرح می‌شود که هر چقدر هم قدرت پیش‌بینی بالایی داشته باشد ولی همواره دچار خطاهایی نیز است. به هر حال پیش‌بینی علمی به‌طور قطع دقیق‌تر و بهتر از پیش‌بینی حسی یا تجربه‌ای خواهد بود.

بازار سرمایه آماده بازگشایی نیست

بسیاری از ناشران فعال در صنایع کلیدی از جمله فولاد، پتروشیمی و مجتمع‌های تولیدی بزرگ باید به‌صورت رسمی میزان خسارت یا عدم خسارت خود را اعلام کنند. این اقدام نه تنها الزامی برای رعایت اصول افشای اطلاعات است، بلکه شرط لازم برای تصمیم‌گیری عقلایی و مبتنی بر تحلیل در روز نخست بازگشایی بازار محسوب می‌شود. نمونه بارز این موضوع شرکت‌های بزرگ فولادی است که نقش استراتژیک در پرتفوی اکثر شرکت‌های سرمایه‌گذاری دارند. طبق آنچه تاکنون اعلام شده، برخی از این شرکت‌ها از جمله فولاد مبارکه گزارش‌هایی مبنی بر عدم خسارت ارایه کرده‌اند. انتشار رسمی و کامل این اطلاعات می‌تواند بخش مهمی از نگرانی‌های فعالان بازار را کاهش دهد و زمینه رفتار منطقی‌تر سهامداران را فراهم کند. در کنار شفاف‌سازی ناشران، تعیین تکلیف وضعیت کلی کشور نیز اهمیت دارد. بازگشایی بازار باید زمانی انجام شود که ابهامات اصلی درباره ثبات شرایط، تاثیرات عملیاتی احتمالی بر صنایع و روند آتی فعالیت‌های اقتصادی تا حد قابل قبولی روشن شده باشد. بدون این پیش‌شرط‌ها، بازگشایی صرفا به انتقال تنش از فضای عمومی به تابلوی معاملات منجر می‌شود. با توجه به همه این عوامل، به نظر می‌رسد که بهترین مسیر، فراهم‌سازی زیرساخت‌ها در فاصله یک تا دو هفته آینده است؛ دوره‌ای که در آن شرکت‌ها گزارش‌های شفاف خود را منتشر می‌کنند، هیجانات منفی تخلیه می‌شود و تصویر نسبی‌تری از روند آینده به دست می‌آید. پس از این مرحله، بازار می‌تواند با ثبات بیشتر و رفتار عقلایی‌تر فعالیت خود را از سر بگیرد.

محاصره دریایی ایران ممکن نیست

■ **در مورد تحریم‌ها چطور؟ آیا این تنش‌ها معافیت‌ها یا امکان فروش نفت را تهدید می‌کند؟**

تحریم‌ها لغو نشده بودند؛ فقط معافیت‌هایی وجود داشت. اگر امریکا بخواهد محاصره کند یعنی عملا همان معافیت‌ها را هم لغو می‌کند. اما همان‌طور که قبلا گفتم، محاصره پایدار امکان ندارد و امریکا هم می‌داند این کار بیشتر به ضرر متحدانش تمام می‌شود. بنابراین فعلا باید صبر کرد تا مذاکرات روشن‌تر شود.

■ **جمع‌بندی شما درباره وضعیت فعلی چیست؟**

بازار نفت حساس است و هر تنش کوچکی روی قیمت‌ها اثر می‌گذارد. ایران هم با تکیه بر موقعیت تنگه هرمز می‌تواند با دست پرتری وارد مذاکره شود. در داخل نیز اگر برق مجتمع‌های پتروشیمی سریع‌تر تامین شود، صنعت ظرف سه ماه به وضعیت پایدار برمی‌گردد. مهم این است که در دو جبهه-هم مذاکره و هم مدیریت زیرساخت داخلی-تمرکز کافی وجود داشته باشد.